



در سرزمین گمشده کوش

تمدنی شکوهمند که حدود ۵۰۰۰ سال پیش
در سودان شکوفا شد چرا از یاد رفت؟



نویسنده: اسماعیل کوشکوش
مترجم: فرشته امامی
ویراستار: بهنوش عافیت طلب



نویسنده: اسماعیل کوشکوش
عکاس: مت استیرن
مترجم: فرشته امامی
ویراستار: بهنوش عافیت طلب
صفحه آرایی: عزیز رحمان هروی
«کاری از گروه ترجمه‌ی خورشید»
موسسه فرهنگی-هنری خورشید راگا
«انتشارات داخلی خورشید»
۱۰ آذر ۱۳۹۹

www.smithsonianmag.com/travel/sudan-land-kush-meroe-ancient-civilization-overlooked-180975498

در سرزمین کوش

تمدنی شکوهمند که حدود ۵۰۰۰ سال پیش در سودان شکوفا
شد چرا از یاد رفت؟

نوشته‌ی اسماعیل کوشکوش^۱

عکاس: مت استیرن^۲

^۱ Isma'il Kushkush

^۲ Matt Stirn



مرواه، در ۲۴۱ کیلومتری شمال خارطوم، به مدت نزدیک به ۶۰۰ سال تدفینگاه پادشاهان و ملکه‌های کوش بوده است.

اگر از خارطوم در امتداد جاده‌ی بیابانی باریکی به شمال به سمت شهر باستانی مرواه^۱ برانید، از دور تماشاگاهی خیره‌کننده از ورای سراب پدیدار می‌شود: ده‌ها هرم تیز که افق را می‌شکافند. هر چند بار هم که از این مکان دیدن کنید، باز از کشف آن حیرت‌زده می‌شوید. در خود مرواه، پایتخت سابق پادشاهی کوش، جاده شهر را به دو بخش

^۱ Meroe

تقسیم می‌کند. سمت شرق گورستانی سلطنتی است، پر شده از نزدیک به ۵۰ هرم از جنس ماسه‌سنگ و آجر قرمز با بلندای مختلف که رأس بیشترشان شکسته شده است، میراث غارتگران اروپایی سده‌ی نوزدهم. سمت غرب شهری سلطنتی است، که در آن خرابه‌های قصر، یک معبد و یک حمام سلطنتی وجود دارد. هر سازه معماری متمایزی دارد، برگرفته از سلیقه‌ی تزئینی محلی، مصری و یونانی-رومی که شاهدهی است بر مرآوده‌ی مرواه با دنیا.

دورتر از جاده، مردانی با لباس جلابیه‌ی سودانی و دستار، سوار بر شتر، از ماسه‌های کویر عبور می‌کنند. هرچند این منطقه تا حد زیادی عاری از زرق و برق گردشگری مدرن است، اما چند تاجر محلی بر روی زیراندازهای حصیری، روی ماسه‌ها، مجسمه‌های کوچک گلی اهرام را می‌فروشند. هنگامی که با بالا رفتن از تپه‌های شنی بزرگ و مواج با پای پیاده به گورستان سلطنتی نزدیک می‌شوید، اهرام مرواه را می‌بینید که در ردیف‌های منظمی قرار گرفته و تا بلندای ۳۰ متر به سوی آسمان اوج گرفته‌اند. یک بار یکی از دوستانم گفت "شبيه باز کردن یک کتاب افسانه‌ای است".



در سده‌ی چهاردهم پیش از میلاد مسیح، طی دوره‌ای که قلمرو امپراتوری مصر نوبیه‌ی باستان را نیز در بر می‌گرفت، معبد سولب توسط آمین‌هوتپ سوم، فرعون مصر، ساخته شد. شباهت فوق‌العاده زیاد این معبد با معبد لوکسور (اقصر) باعث شده برخی محققین بر این رأی باشند که هر دو مجموعه توسط یک معمار بنا شده است.



اولین بار در کودکی با دیدن مجموعه مستند "آفریقا" ساخته‌ی ۱۹۸۴ باسیل دیویدسون^۱، مورخ انگلیسی، با هرم‌های خارق‌العاده‌ی سودان آشنا شدم. من که دورگه‌ی آمریکایی سودانی بودم و در ایالات متحده و خاورمیانه بزرگ شده بودم، درباره‌ی تاریخ مصر باستان و میان‌رودان و شام و ایران و یونان و روم مطالعاتی داشتم، اما هرگز درباره‌ی تاریخ نوبیه‌ی باستان^۲، منطقه‌ای در مجاورت رود نیل، بین آسوان در جنوب مصر و خارطوم در مرکز سودان، چیزی نخوانده بودم. با دیدن این مستند به مطالعه‌ی کتاب‌های هر چه بیشتر درباره‌ی تاریخ سرزمینم ترغیب شدم و در تعطیلات سالانه با خانواده‌ام بیشتر وقتم را در موزه‌های خارطوم به دیدن آثار باستانی - که از آب‌های دریاچه‌ی ناصر بعد از ساخت سد بزرگ آسوان مصر در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰ در امان مانده بود - می‌گذراندم. بعدها، نزدیک به هشت سال به عنوان خبرنگار

^۱ Basil Davidson

^۲ Ancient Nubia

در خارطوم، پایتخت سودان، کار کردم و برای نیویورک تایمز و سایر رسانه‌های خبری درباره‌ی جنگ‌ها و سیاست‌های شکننده‌ی سودان گزارش تهیه کردم. اما هر از چند گاهی هم باید درباره‌ی تاریخ باستانی غنی و کمتر شناخته‌شده‌ی سودان می‌نوشتم. بیش از ۲۵ سال طول کشید تا اهرام را از نزدیک ببینم، اما سرانجام هنگامی که مرواه را دیدم، در لمس آرزویی به حقیقت پیوسته برای دیدن این مکان از خود بی‌خود شدم، مکانی که احساس عظمت و اتصال با تاریخ جهان را به من بخشیده بود. مانند کسی که عزیزش را پس از مدت‌ها پیدا کرده دستانم را دور هرمی حلقه کردم و آن را در آغوش کشیدم.

سرزمین جنوب مصر، آن سوی اولین آبشار نیل، در جهان باستان با نام‌های زیادی شناخته می‌شده است: تا-ستی^۱، یا سرزمین کمان، به خاطر ساکنین آن که کماندارانی چیره‌دست بودند؛ تا-نِهسی^۲، یا سرزمین مس؛ اتیوپی، از ریشه‌ی یونانی به معنی سرزمین رخسارهای سوخته؛ نوییه، که احتمالاً از واژه‌ای از مصر باستان به معنای طلا مشتق شده است؛ و کوش، سلطنتی که تقریباً بین سال‌های ۲۵۰۰ پیش از میلاد و ۳۰۰ بعد از میلاد حکمرانی منطقه را در اختیار داشته است. در برخی سنت‌های مذهبی، کوش^۳ را همان کوش^۴ کتاب

^۱ Ta-Seti

^۲ Ta-Nehesi

^۳ Kush

^۴ Biblical Cush

مقدس، پسر حام و نوهی نوح، می‌دانند که فرزندانش ساکن شمال شرقی آفریقا بودند.



خرابه‌های معبد سولب، که به آمون-رع، خدای خورشید مصری، اختصاص داشته است. توت‌عنخ‌آمون از فرعون‌های حافظِ معبد بوده است که نامش بر روی شیر گرانیتی قرمز حک شده است.



بزرگ‌ترین هرم در ال-کورو که حدود سال ۳۲۵ پیش از میلاد ساخته شد و زمانی به بلندی ۳۵ متر بود. بعد از جدا کردن مصالح آن در دوران قرون وسطی برای ساخت دیوار دفاعی در نزدیکی آن، امروز فقط پایه‌ی این هرم باقی مانده است.

سال‌ها مورخان و باستان‌شناسان اروپایی و آمریکایی کوشِ باستان را از دریچه‌ی تعصبات و زمان خود می‌نگریستند. در اوایل سده‌ی بیستم جورج راینر^۱ مصرشناس هاروارد، هنگام بازدید از ویرانه‌های محل سکونت نوبیایی‌های کرمه^۲، آن را یک پاسگاه مرزی مصر دانست. او در

^۱ George Reisener

^۲ Kerma

خبرنامه‌ی اکتبر ۱۹۱۸ موزه‌ی هنرهای زیبای بوستون نوشت: "نژاد سیاه‌ریخت بومی هرگز در تجارت خود یا هر صنعتی که قابل ذکر باشد توسعه نیافته بود و وضعیت فرهنگی خود را وامدار مهاجران مصری و تمدن وارداتی آن‌ها بود." تنها در اواسط سده‌ی بیستم بود که با تداوم در کاوش و باستان‌شناسی حقیقت آشکار شد: کرمه، با قدمت ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، اولین پایتخت پادشاهی بومی قدرتمند با گستره‌ی حکمرانی از سزمین‌های بین اولین آبشار نیل در شمال و چهارمین آبشار در جنوب بود، سلطنتی که با مصر رقابت می‌کرد و گاهی نیز از آن سبقت می‌گرفت. این اولین پادشاهی کوشی، از مسیر دریای سرخ به سمت شرق با همسایگانش مصر و پونت باستان^۱، عاج، طلا، برنز، آبنوس و برده تجارت می‌کرد و به سفال‌های لعاب‌دار آبی‌رنگ و ظروف سرامیکی لاله‌ای‌شکل آجری‌رنگ که با ظرافت جلا داده می‌شدند معروف بود.

از جمله کسانی که برای اولین بار ادعای رایزنر را به چالش کشید چارلز بونی^۲ باستان‌شناس سوئیسی بود. ۲۰ سال طول کشید تا مصرشناسان استدلالش را پذیرفتند. بونی می‌گوید: "باستان‌شناسان غربی، از جمله رایزنر، در تلاش بودند که مصر را در سودان پیدا کنند، نه سودان را در خودِ سودان". بونی اکنون ۸۷ ساله است و از سال

^۱ Ancient Punt

^۲ Charles Bonnet

۱۹۷۰ هر ساله برای تحقیقات میدانی به کرمه آمده و اکتشافات مهمی انجام داده است که به بازنویسی تاریخ باستان منطقه کمک کرده است. او در آن نزدیکی یک شهر بزرگ کوشی با استحکامات نظامی به نام دوکی جل ۱ را شناسایی و حفاری کرد که قدمتش به هزاره‌ی دوم پیش از میلاد می‌رسید.



داخل مقبره‌ی شاه تانتامانی، حدود ۶۵۰ سال پیش از میلاد، در ال-کورو، تدفینگاه سلطنتی در دوران سلسله‌ی ۲۵ام مصر، زمانی که کوش مصر را فتح و امپراتوری "فرعون‌های سیاه" را آغاز کرد.

^۱ Dukki Gel



داخل یکی از مقبره‌های هرمی در مرواه که برخی باستان‌شناسان بر این باورند متعلق به تانیدامانی^۱ شاه کوشی بود. این مقبره که آراسته به کنده‌کاری‌هایی به سبک مصری است به سده‌ی دوم پیش از میلاد برمی‌گردد.

حدود سال ۱۵۰۰ پیش از میلاد مسیح، فرعون‌های مصر در امتداد نیل به سمت جنوب لشکرکشی کردند و بعد از تسخیر کرمه معابد و قلعه‌هایی را تأسیس و دین و فرهنگ مصری را وارد نوبیه کردند. مصریان در نزدیکی آبشار چهارم، معبدی مقدس در جبل برکل^۲ بنا

^۱ Tanyidamani

^۲ Jebel Barkal

کردند. جبل برکل کوهی کوچک با قلله‌ای تخت است که به طور منحصر به فردی در محلی واقع شده که نیل به سمت جنوب حرکت کرده و سپس دوباره به سمت شمال تغییر مسیر داده و مسیری "S" شکل می‌سازد. این همان مکانی است که خورشید از کرانه‌ی «غرب» - که به طور معمول با غروب و مرگ پیوستگی دارد - زاده می‌شود و مصریان باستان آن را سرچشمه‌ی خلقت می‌دانستند.

مصریان تا سده‌ی یازدهم پیش از میلاد در کوش فرمانروایی می‌کردند. با افول امپراتوری مصر و عقب‌نشینی آن، سلسله‌ی جدیدی از پادشاهی کوش در شهر نپته^۱، حدود ۱۹۰ کیلومتری جنوب شرقی کرمه، ظهور کرد و خود را میراث‌دار راستین و حافظ آیین مصر باستان اعلام کرد. پیه^۲، سومین پادشاه نپته، که در سودان بیشتر به بَعْنَخی^۳ مشهور است، با سپاهی از سوارکاران، کمانداران ماهر و نیروهای دریایی، از مسیر نیل به سمت شمال تاخت.

پیه با شکست ائتلافی از شاهزادگان مصر، سلسله‌ی ۲۵ام مصر را تأسیس کرد، سلسله‌ای که پادشاهانش معمولاً با عنوان فراعنهی سیاه شناخته می‌شوند. پیه پیروزی خود را در ۱۵۹ سطر در کتیبه‌ای با خط هیروگلیف مصر میانه بر روی سنگ گرانیته‌ی خاکستری تیره ثبت کرد که امروز در موزه‌ی مصر در قاهره نگهداری می‌شود. سپس به نپته بازگشت تا بر قلمرو تازه‌گسترش‌یافته‌ی خود در مکانی به نام ال-کورو

^۱ Napata

^۲ Piye

^۳ Piankhi

فرمان براند، جایی که در آن سنت مصری شاهان مدفون در اهرام را که قرن‌ها نهفته مانده بود احیا کرد.



شرکت‌های گردشگری، علاوه بر هتل‌های سنتی، تجربه‌ی غوطه‌وری در صحرای بیوضه را نیز ارائه می‌دهند که به گردشگران این امکان را می‌دهد در چادرهایی شبیه به این، که تصویر آن را در طلوع خورشید می‌بینید، بخوابند.



مجسمه‌ی پادشاه کوشی حوالی تومبوس^۱، در نزدیکی کرمه، که پیش از سلطه‌ی دوباره‌ی کوش بر نوبیه حکم شهرک‌های مستعمره‌نشین مصر را داشت. این مجسمه برای روستاییان این حوالی که برای دعای طلب باروری و زایمان به آنجا می‌روند اهمیت معنوی خود را حفظ کرده است.

^۱ Tombos



در نزدیکی ال-کوررو، پسری محلی منتظر چای هیبیسکوس (چای ترش) است تا در یک چایخانه‌ی بین‌راهی در امتداد بزرگراه کویری دورافتاده که خارطوم را به قاهره متصل می‌کند از مشتریان پذیرایی کند.

یکی از پسران پیه، به نام طهارقه^۱، که در سودان به تیرهاکا معروف است، در انجیل عبری به عنوان متحد پادشاه حزقیای^۲ اورشلیم آورده شده است. او گورستان سلطنتی را به نوری^۳، که در فاصله‌ی ۲۲

^۱ Taharqa

^۲ Hezekiah

^۳ Nuri

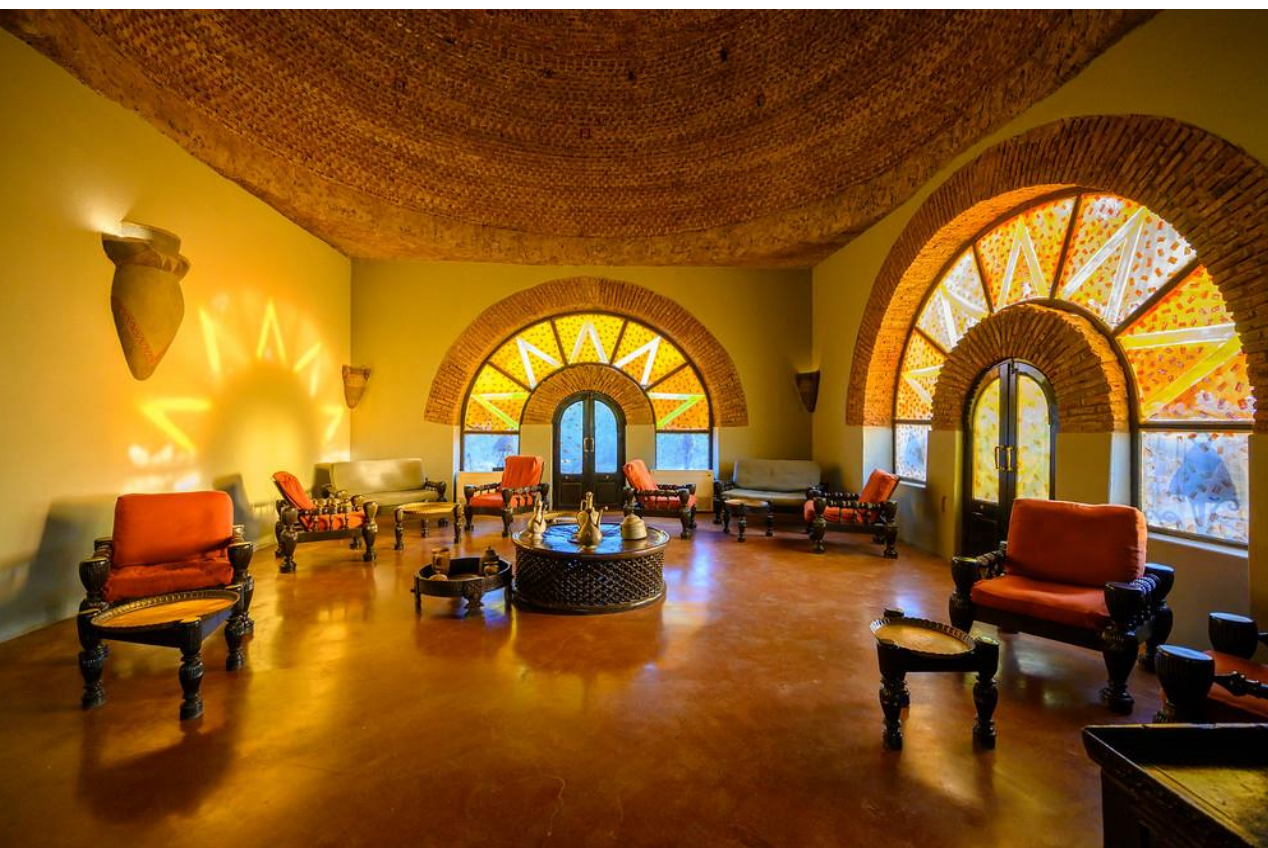
کیلومتری قرار داشت، انتقال داد و هرمی که برای او ساخته شده بود بزرگ‌ترین هرمی بود که برای بزرگداشت پادشاهان کوشی بنا شده بود. باستان‌شناسان هنوز برای چرایی انتقال گورستان سلطنتی توسط او اختلاف نظر دارند. جف امبرلینگ^۱، باستان‌شناس دانشگاه میشیگان که در ال-کوررو و جبل برکل حفاری کرده است، می‌گوید که یکی از توضیحات مبتنی بر مراسم کوشی این است که طهارقه مقبره‌ی خود را در محلی بنا کرده بود که "در هنگام فرارسیدن زمان آب‌گیری نیل، خروشید بر فراز هرم طلوع کرده باشد" اما تفاسیر دیگری نیز وجود دارد. او می‌گوید: "ممکن است شکاف سیاسی رخ داده باشد، هر دوی این‌ها محتمل است."

فرمانروایی فراعنهی سیاه نزدیک به یک سده دوام داشت، اما طهارقه در تهاجم آشوریان سلطه بر مصر را از دست داد. از اوایل سده‌ی ششم پیش از میلاد که نیپته پی در پی مورد تهدید حمله‌ی مصری‌ها، پارس‌ها و رومی‌ها قرار می‌گرفت، پادشاهان کوش به تدریج پایتخت خود را به مرواه در جنوب انتقال دادند. این شهر، در محل پیوند چندین مسیر مهم بازرگانی در منطقه‌ای غنی از آهن و دیگر فلزات گرانبها، به پلی میان آفریقا و مدیترانه تبدیل شد و رونق گرفت. آرنولف شلوتر^۲، از موزه‌ی دولتی هنر مصر در مونیخ، می‌گوید: "آن‌ها از خارج

^۱ Geoff Emberling

^۲ Arnulf Schlüter

تأثیر پذیرفتند - تأثیرات مصری و یونانی-رومی؛ اما تحت تأثیر آفریقا هم بودند و بعد ایده‌های هنر و معماری خود را شکل دادند."



استراحتگاه نوبیایی، نزدیک جبل برکل. مناطق کوشی سودان سال‌های سال بازدیدکننده‌های اندکی داشت، اما براندازی ریاست جمهوری مستبد عمرالبشیر به صنعت نوپای گردشگری نیرو بخشید.



یک خانواده‌ی عشایری برای عزیمت به صحرای بیوضه در صحرای شرقی آماده می‌شوند. در دوران کوشی‌ها یک مسیر کاروانی، از میان این بیابان، نپته را در شمال به مرواه در جنوب متصل می‌کرد.



مدینه، زن ۹۷ ساله از عشایر حسنیه، در چادرش در صحرای بیوضه



یکی از عشایر بشاری و شترش در نزدیکی گودال آب در صحرای بیوضه



یک کشاورز و یک راننده کامیون مسیرهای طولانی، بر روی قایقی روی رود نیل



کشاورزی در بازار خیابانی دُنُقلا



گروهی از پسران که از الاغ برای حمل سبزیجات از مزارع کنار رود به روستایشان استفاده می‌کنند.



مدیر موزهی کرمه

هرم‌های مرواه، که در سال ۲۰۱۱ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد، بدون شک برجسته‌ترین ویژگی اینجاست. اگرچه این هرم‌ها به بزرگی و قدمت اهرام مصر نیستند، اما از این جهت که تیزترند و فقط مختص خاندان سلطنتی نیستند منحصر به فردند؛ اشراف (دست‌کم آن‌هایی که استطاعت مالی داشتند) نیز در اهرام به خاک سپرده می‌شدند. امروزه بیشتر سودانی‌ها قویاً اشاره می‌کنند که تعداد هرم‌های باستانی سرپا در سودان - که بیش از ۲۰۰ تا هستند - از تعداد هرم‌های مصر بیشتر است.

آن سوی اهرام، شهری سلطنتی واقع شده که زمین‌های اطراف آن هنوز با سرباره‌ی آهن پوشیده شده است که خود شاهی است از وجود صنعت بزرگ ذوب آهن و منبع قدرت اقتصادی آن. ملکه‌هایی با نام قنداکه (کنداکه)^۱، که در زبان لاتین به "کنداس"^۲ معروف بودند، نقش مهمی در زندگی سیاسی مرواهی داشتند. مشهورترین آن‌ها، آمانی‌ریناس^۳، ملکه‌ای جنگجو بود که حدود ۴۰ تا ۱۰ سال پیش از میلاد فرمانروای کوش بود. او، که توسط استرابو^۴، جغرافی‌دان یونانی - که به اشتباه لقبش را به جای اسمش می‌دانست - "زنی مردگونه، با یک چشم کور" توصیف شده است، ارتش را برای مبارزه با رومی‌ها به

^۱ *Kandake*

^۲ *Candace*

^۳ *Amanirenas*

^۴ *Strabo*

شمال هدایت کرد و با مجسمه‌ی برنزیِ سرِ امپراتور آگوستوس^۱ بازگشت، که سپس آن را در مرواه زیر پله‌های معبدی که به پیروزی اختصاص داده شد دفن کرد. در شهر نعه، جایی که شلوتر بیشتر تحقیقاتش را انجام داد، قنداقه‌ی دیگری به نام امانی‌تور^۲ که از حدود یک سال پیش از میلاد تا ۲۵ سال بعد از میلاد حکمرانی کرد، در کنار نایب‌السلطنه‌ی دیگر، یعنی شاه نَتکامانی^۳، بر روی دیوار ورودی معبدی که به آپدِماک^۴ خدای شیر بومی اختصاص داده شده، به تصویر کشیده شده است؛ آن‌ها در حال کشتن دشمنانشان به تصویر کشیده شده‌اند - امانی‌تور با یک شمشیر بلند و نتکامانی با یک تبر جنگی - و شیرها به صورت نمادین پیش پای آن‌ها آرمیده‌اند. بسیاری از محققان بر این باورند که امانی‌تر^۵، جانشین امانی‌تور، همان ملکه‌ی کوشی است که در عهد جدید با عنوان "کندیس^۶، ملکه‌ی اتیوپی" شناخته می‌شود که خزانه‌دارش به مسیحیت گروید و برای عبادت به اورشلیم سفر کرد.

^۱ *Emperor Augustus*

^۲ *Amanitore*

^۳ *Natakamani*

^۴ *Apdemak*

^۵ *Amantitere*

^۶ *Candace*



گورهای صوفی مربوط به سده‌ی ۱۱۷م در نزدیکی شهر قرون وسطایی دُنقلای قدیم! سبک تدفین را، که تزئین با سنگریزه‌های سفید و نشانه‌گذاری با سنگ سیاه است، می‌توان به شهر پیش از اسلام کرمه، از هزاره‌ی سوم پیش از میلاد نسبت داد، که نشان‌دهنده‌ی تداوم سنت‌های آیینی نوبیایی‌هاست.

^۱ Dongola



قلعه‌ای که توسط نیروهای عثمانی در نزدیکی سومین آبشار رود نیل ساخته شده و فاصله‌ی زیادی تا تومبوس و کرمه ندارد. در ۱۸۲۰ مصر عثمانی قسمت اعظم سودان مدرن را فتح کرد و تا سال ۱۸۸۵ بر آن فرمان راند.

در مکان نه چندان دور دیگری به نام مَصَوَّرات الصُّفراء، باستان‌شناسان هنوز در مورد کاربری مجموعه‌ی سنگی بزرگ مرکزی آن، معروف به محوطه‌ی بزرگ^۱، در تردید هستند. قدمت این اثر به سده‌ی سوم پیش از میلاد باز می‌گردد و دربرگیرنده‌ی چندین ستون، باغ، گذرگاه و

^۱ Great Enclosure

حیاط است. برخی از محققین بر این نظرند که این بنا معبد بوده است، برخی نیز آن را کاخ یا دانشگاه می‌دانند و یا حتی اردوگاه آموزش فیل‌های جنگی و این به دلیل نقش‌ها و مجسمه‌های فیلی است که در مجموعه یافت شده است. در دره‌ی نیل هیچ چیز قابل مقایسه‌ای با این مورد وجود ندارد.

از سده‌ی چهارم میلادی قدرت کوش رو به زوال رفت. مورخان دلایل مختلفی برای آن ارائه کردند، از جمله قحطی و خشکسالی ناشی از تغییرات آب و هوایی و ظهور تمدن رقیب آکسوم^۱ در شرق، در اتیوپی امروزی.

سال‌ها تاریخ کوش و سهم آن در تمدن جهانی نادیده گرفته شده بود. نخستین باستان‌شناسان اروپایی قادر نبودند آن را چیزی بیش از انعکاس مصر ببینند. بی‌ثباتی سیاسی، بی‌توجهی و توسعه‌نیافتگی در سودان مانع تحقیقات بسنده در تاریخ کهن این کشور شد. با این حال میراث کوش به خاطر تمدن و دستاوردهای فرهنگی آن مهم است: داشتن زبان و خط بومی؛ اقتصاد مبتنی بر تجارت و مهارت شغلی؛ تخصص در تیر و کمان؛ الگوی کشاورزی برای پرورش دام و طبخ متمایز با غذاهایی مانند شیر، غلات و خرما که بیانگر فضای محلی است. کوش جامعه‌ای بود که با برنامه‌ریزی شهری متمایز و زنان

^۱ Aksum

درباری قدرتمند متفاوت از همسایگانش در مصر، شام و میان‌رودان سازمان یافته بود.

زینب بَدَوی، روزنامه‌نگار برجسته‌ی بریتانیایی-سودانی که مجموعه‌ی مستند "تاریخ آفریقا"ی او در اوایل امسال در بی‌بی‌سی پخش شد می‌گوید: "پادشاهی کوش، در اوج عظمت خود، قدرت غالب منطقه بوده است". آثار باستانی به‌جامانده از کوش "نشان از مردمی شگفت‌انگیز و بی‌نظیر از عهد باستان دارد که جهان فراموششان کرده است."



گورهای هرمی در جبل برکل از دوران مرواهی، بین حدود سال‌های ۲۷۰ پیش از میلاد و ۳۵۰ میلادی. این مکان که در نزدیکی شهر باستانی نپته قرار دارد اهمیت ویژه‌ای برای کوش و مصر داشته است، چراکه آن‌ها بر این عقیده بوده‌اند که این مکان سرچشمه‌ی آفرینش و زادگاه آمون-رع^۱ خدای خورشید است.

در حالی که مصر مدت‌هاست به واسطه‌ی ارتباطاتش با خاور نزدیک و مدیترانه مورد توجه بوده است، کوش نقشی را که آفریقایی‌های سیاه‌پوست در روابط جهان باستان داشته‌اند روشن می‌کند. جِف

^۱ Amun-Ra

امبرلینگ می‌گوید: کوش ریشه‌ی تمدن سیاهان آفریقا بوده است و مدت‌ها محققان و عموم مردم دستاوردهای آن‌ها را مورد سرزنش قرار می‌دادند. ادموند بری گایتر^۱، استاد آمریکایی و مدیر موزه‌ی مرکز ملی هنرمندان آفریقایی-آمریکایی بوستون می‌گوید: نوبیه جایگاه سیاهپوستان را مشخص کرد، ولو این‌که از شر مخالفان نژادپرست خلاصی نیافت. باستان‌شناس فرانسوی، کلود ریلی، می‌گوید: همان‌طور که اروپایی‌ها به صورت نمادین یونان باستان را پدر و مادر خود می‌دانند، آفریقایی‌ها نیز می‌توانند کوش را جد بزرگ خود بدانند.

امروز بسیاری این را می‌دانند. در سودان، که ۳۰ سال حکومت استبدادی در ۲۰۱۹ بعد از ماه‌ها اعتراض مردمی پایان یافت، نسل جدید برای یافتن غرور ملی خود به تاریخشان می‌نگرند. یکی از محبوب‌ترین شعارهای معترضان متوسل شدن به حاکمان کوشی هزاره‌های قبل بود: "پدر بزرگ من طهارقه است! مادر بزرگ من قنداقه است!"

انتصار صغیرون، باستان‌شناس و عضو دولت انتقالی سودان، می‌گوید که کشف دوباره‌ی ریشه‌های باستانی این کشور به تحریک خواست مردم برای تغییر در کشور کمک کرد. او می‌گوید: "مردم از حال ناامید شده بودند، بنابراین به جستجوی گذشته‌شان رفتند. این همان لحظه‌ی انقلاب بود."

^۱ Edmund Barry Gaither